

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

انینة ایران

فرستنده: توماج

۱۰/۱۰/۲۳

## ارزیابی از یک سال فعالیت شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکھلم



"شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران" در استکھلم، یکسال فعالیت انقلابی و ضد جمهوری اسلامی را پشت سر گذاشت و خود را موظف میداند ارزیابی از فعالیت یکساله خود را در اختیار عموم قرار دهد. ارزیابی از فعالیتهای شورا، اعم از نقاط قوت و کمبودها تا اهدافی که در دوره آتی باید در مقال خود قرار دهد، در یکماه گذشته میان فعالین و اعضای شورا مورد بحث بود و اسنادی کتبی تهیه و در میان شورا توزیع گردید. به دنبال بحث و همفکری، مجمع عمومی شورا در تاریخ ۲۱ اگوست تشکیل شد و ضمن بحث فعال به اتفاق آراء تصمیم گرفت که نکات زیر را به عنوان مبانی و خطوط بحث و نظر شورا به طور علنی منتشر کند.

### ۱- شورا ضروری است

نفس ایجاد شورا برای تقابل با سیاستهایی که تلاش داشتند مردم را زیر پرچم جمهوری اسلامی ببرند، تلاشی مثبت و اصولی و ضروری بود. ارزیابی شورا اینست که وضعیت سیاسی ایران عمیقاً بحرانی است و تقابل بخشهای مختلف مردم و به ویژه طبقه کارگر با حکومت امری واقعی است. لذا مجمع عمومی بر ادامه کاری شورا تأکید دارد. شورا باید تلاش کند ایرانیان آزادیخواه را حول سیاست و اهداف انقلابی خود بسیج کند.

### ۲- حقانیت سیاستهای شورا

شورا بر حقانیت چهارچوب سیاستهای خود در یکسال گذشته تأکید میکند. [درستی] سیاستهای ما به سرعت اثبات شدند و متقابلاً سیاستهای جریاناتی که به دنبال تقویت جناحی از حکومت و جمهوری اسلامی بودند، ورشکست شدند.

### ۳- استقلال عملی، فکری و سیاسی

نقطه قدرت شورا در استقلال نظری و سیاسی و عملی از اردوی راست و مخدوش نکردن صفتبندی چپ و راست بود. انقلابیگری، مخالفت قاطع با کل جمهوری اسلامی، و جانبداری سیاسی در باره آینده سیاسی ایران، نقطه قدرت شورا بود. شورا بر تداوم این سیاستها تأکید دارد و برای گسترش و توده‌ئی کردن آنها تلاش میکند.

### ۴- تأکید بر آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی

شورا آگاهانه جانبدار بود و خلاف بسیاری نیروها که اهداف راست خود را در زوررق "حرف مردم" می‌پیچیدند، بر تقویت راه حل کارگری و سوسیالیستی برای آینده ایران تأکید کرد. این وجه اثباتی و روشن سیاسی، حرکت ما را تقویت کرد و شورا را به عنوان یک قطب چپ در مقابل نیروهای راست متمایز کرد. همینطور فعالیت انترناسیونالیستی، حمایت از مبارزات کارگران و آزادیخواهان در دیگر کشورها و تلاش برای ایجاد ارتباط با نیروهای پیشرو، یک بعد جدید فعالیت شورا بوده است.

### ۵- شورا پرچمدار عمل رادیکال

شورا نقش کلیدی در تغییر فضای سیاسی خارج کشور به ضرر جمهوری اسلامی داشت. شورا (اعم از شورای شهر استکهلم و شوراهای دیگر که در همین راستا در شهرهای مختلف اروپا تشکیل شدند) پیشرو تهاجم به سفارتخانه‌های رژیم در خارج کشور بود. شورا فضای انقلابی را در خارج کشور تقویت و به درجه زیادی مسلط کرد. اگر شورا نبود، اپوزیسیون طرفدار رژیم در خارج کشور می‌توانستند بر اوضاع مسلط شوند. شورا بر مخالفت قاطع خود علیه جمهوری اسلامی تأکید میکند و برای جمع کردن بساط جمهوری اسلامی در خارج کشور تلاش میکند.

### ۶- سازمانیابی شورانی

شورا بر یک شکل مناسب و به شدت باز سازمانیابی یعنی مجمع عمومی متکی بوده است و به ارگانی برای همکاری سازمانها و افراد آزادیخواه و سوسیالیست تبدیل شده. شورا نه حزب است، نه جبهه، و نه اتحاد عمل موردی گروههای سیاسی. شورا یک تشکل توده‌ئی چپ و شکل نوینی از همکاری کلیه نیروهای ست که علی‌رغم اختلاف دیدگاهها روی اصول مهمی توافق دارند. آئین نامه شورا که در اولین مجمع عمومی به اتفاق آراء تصویب شد، چهارچوب فعالیت را روشن کرد.

### ۷- فرهنگ نوین سیاسی

شورا آزادی عمل و رادیکالیسم را به عنوان دو رکن فعالیت خود پیش برد. شورا یک الگوی جدید سیاسیست که همراه خود فرهنگ و سنت سیاسی جدید و مدرنی را به بار آورد. شورا هیچ امتیاز و یا محدودیتی را برای هیچ فرد

و جریانی قائل نشد. شورا تلاش کرد اصل برابری را در قوانین و شیوه کار حاکم کند. یعنی علی رغم وجود دیدگاههای متفاوت، مانعی بر تداوم همکاری نبود. تریبون شورا برای ارائه نظرات افراد و سازمانها باز بود. هیچکس مجبور نبود نظراتش را به چهارچوب شورا محدود کند و در عین حال از حداقلها و اصول شورا خارج نمیشد. شورا پرچمها را سانسور نکرد و بر دهانها چسب نزد و هویتها را انکار نکرد. داوطلبانه کار کردن یک پرنسیپ شورا بود که امکان میداد که هر کس در هر حرکتی که نمی خواهد یا موافق نیست شرکت نکند، یا از شورا خارج شود و یا دوباره به شورا بپیوندد. شورا بر تعمیق این فرهنگ آزاد سیاسی و همزمان بر موجودیت رادیکال تاکید دارد.

#### ۸- پروژه های شورا

شورا در عین حال اشکال دیگری را برای گسترش فعالیت از جمله "پروژه ها" در نظر گرفت. کسانی که در چهارچوب اصول شورا علاقه داشتند بر امری متمرکز شوند، که سایرین ممکن بود مایل نباشند، می توانستند در چهارچوب پروژه ها کار کنند و حتی با افراد هم نظر در خارج از شورا وارد همکاری شوند. "پروژه زندانیان سیاسی" و "پروژه تمرکز بر جنبش کارگری" دو مورد تاکتونی هستند. این شکل از سازمانیابی ضمن آنکه اختلافات را تاب می آورد علائق مشترک را پیش می برد.

#### ۹- یک تجربه پیشرو

۶- شورا در قیاس با تجارب گذشته در خارج کشور و در میان نیروی چپ، قالب جدیدی ست. یک دلیل اساسی که شورا توانست یکسال فعالیت سیاسی را تقریباً بدون دردسر بزرگ پیش ببرد همین است. نکات و اصول فوق به ایجاد چتری توده ئی و پیشرو با مناسبات آزاد منشانه مجال داد و متقابلاً همین اصول بروز فرهنگ فرقه ئی را عملاً محدود کرد. شورا به عنوان قطب سرخ و طرفدار راه حل کارگری، الگویی است که ضروری است بیش از این در خارج کشور تکثیر شود. ما معتقدیم اگر اردوی چپ جامعه در تداوم تلاش کافی نکند، راستها فضای سیاسی را تسخیر میکنند و نتیجه آن شکست چپ است.

#### ۱۰- ضعف ها و محدودیتها

شورا در یکسال گذشته خالی از ضعف و کمبود نبوده است. اولاً شورا میتوانست بسیج کننده میزان بسیار بیشتری از رادیکالیسم موجود در جامعه باشد. این تلاش از جانب شورا آنطور که ممکن بود صورت نگرفت. شورا میتوانست میزان بیشتری از مردم معترض را زیر پرچم سرخ و رادیکال خود بسیج کند، به ویژه وقتی که شکست راستها و اصلاح طلبها مسجل شده بود. این امر البته یکجانبه نیست، اما تا آنجا که به شورا مربوط است از حقانیت سیاسی اش به نفع گسترش گرایش و سیاست خود استفاده نکرد. شورا از نظر سازمان اداری، تبلیغات و ارگانهای تبلیغی، تدارکات و امور فنی، جا انداختن مفاهیم اساسی خود و به ویژه سبک کار و سنت جدید، استفاده درست از تمام نیروهای موجود، ضعف و کمبود داشته است. یک مانع اساسی در پیشروی سهل تر، وجود دیدگاههای متفاوت، برداشتهای مختلف از شورا و کار شورائی، عدم انطباق عمومی با روشها و سنتهای جدید، تقابل تجارب تاکتونی افراد و جریانات و غیره است که منجر به کند شدن حرکت ما در قوام سازمان شورا بوده است. ادامه کاری قوی شورا در گرو به رسمیت شناسی مجموع این کمبودها و ضعفها و تلاش برای رفع آنهاست.

## ۱۱- قدردانی و یک تأکید صریح

ما شورا را متعلق به همه کسانی میدانیم که از ابتداء تا امروز به انحاء مختلف فعال و همراهش بودند. تمام کسانی که در اجتماعات شورا شرکت کردند، کسانی که در صف شورا در برابر جمهوری اسلامی قاطعانه ایستادند، کسانی که پرچم سرخ را با افتخار در دست گرفتند، و حتی بعضا به دلیل اختلاف شورا را ترک کردند. شورا به همه این مجموعه و تعداد بسیار زیادی از رادیکالها و انسانهای شریف و انقلابی شهر استکلم تعلق دارد. شورا از زحمات تک تک افراد، احزاب، سازمانها، از حضور سیاسی آنها چه در تظاهراتهای پرشکوه و چه در جدال سیاسی و فکری، قدردانی میکند.

## ۱۲- شورا و آینده

شورا بر گسترش فعالیت خود، سازماندهی قویتر و پایه ئی تر، فعالیتهای سیاسی متنوع، و عضوگیری وسیع در چهارچوب اهداف خود تأکید دارد. شورا بر رفع کمبودها و نقاط ضعف خود تأکید ویژه دارد. ما جوانان و زنان برابری طلب و مخالف تبعیض را به صف شورا دعوت میکنیم. شورا عموم انقلابیون، سوسیالیستها، آزادیخواهان و کسانی که خواهان سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی اند را به صفوف خود دعوت میکند. شورا همراه با کارگران و مردم انقلابی و شریف ایران برای جامعه سوسیالیستی مبارزه میکند و تقویت این اردو را وظیفه خود میداند. کلید یک آینده خوشبخت دست اردوی چپ کارگری جامعه است و شورا بستری و چتری برای تقویت راه حل اجتماعی چپ است.

## به شورا بپیوندید!

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران – استکلم

۲۹ اگست ۲۰۱۰

\*\*\*

ضمیمه یک،

## لیستی از اقدامات شورا در طول یکسال فعالیت

این لیست شامل کل اقدامات شورا و فعالینش نمیشود بلکه صرفا خلاصه ای از مجموع اقداماتی است که شورا پیرامون آنها گزارش منتشر کرده است.

- ۱- خرداد ۲۰۰۹ تظاهرات وسیع علیه نمایش انتخابات در مقابل سفارت رژیم جمهوری اسلامی به فراخوان "کمیته نه به انتخابات".
- ۲- تظاهرات هر روزه در میدان مرکزی شهر استکهلم در پی خیزش توده‌ئی در ایران به فراخوان "ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران".
- ۳- ۱۸ تیر ۲۰۰۹ تظاهرات بزرگ سرخ‌ها در میدان سرگل استکهلم.
- ۴- ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹ تظاهرات وسیع در جلوی سفارت جمهوری اسلامی که منجر به اشغال آن شد. این اقدام در دفاع از کارگران دستگیر شده در اول ماه مه و به فراخوان اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت.  
(از قبل از برگزاری مضحکه انتخابات فعالیتهای ما تحت عنوان "کمیته نه به انتخابات" و به دنبال خیزش توده‌ئی در ایران تحت نام "ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران" صورت گرفت)
- ۵- ۶ اگست ۲۰۰۹ برگزاری مجمع عمومی، تغییر نام به "شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران"، تصویب آئین‌نامه و اهداف شورا به اتفاق آراء.
- ۶- ۳ و ۴ اکتبر ۲۰۰۹ برگزاری پروژه دفاع از زندانیان سیاسی طی دو روز شامل؛ اجرای تئاتر "۵ هزار پرده و ماه چهارگوش" به زبان سوئدی در سالروز قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و دهه ۶۰. برگزاری سمینار بحث و گفتگو در کافه مارکس در باره زندان، زندانی سیاسی، ضرورت برچیدن زندانهای سیاسی ونفی شکنجه و اعدام. ارائه چند سخنرانی توسط زندانیان سیاسی عضو شورا و بحث عمومی پیرامون آن.
- ۷- ۱۰ اکتبر تظاهرات در میدان سرگل علیه مجازات اعدام در روز جهانی علیه مجازات اعدام.
- ۸- ۱۶ آذر تظاهرات در مدبوریار پلاتسن به مناسبت روز دانشجو. مناظره رادیوئی با طرفداران سبزها.
- ۹- ۱۰ دسامبر مصادف با مراسم اهدای جایزه نوبل. تظاهرات جلوی مراسم نوبل در نفی اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی.
- ۱۰- ۸ مارس روز جهانی زن، تظاهرات همراه با چپ‌های سوئدی در صف مستقل، در دفاع از حقوق زنان و مقابله علیه قانون شریعت در سوئد.
- ۱۱- برگزاری مراسم به مناسبت اول مه روز جهانی کارگر در روز جمعه ۳۰ اپریل در کافه مارکس استکهلم. ارائه چند سخنرانی و جشن.
- ۱۲- شرکت در راهپیمائی اول مه و برگزاری میز کتاب. در روز اول مه بخشی از فعالین شورا همراه با سازمانهای چپ سوئدی در مدبوریار پلاتسن اجتماع و به طرف کونگستردگوردن راهپیمائی کردند. در این راهپیمائی از جمله شعارهایی در دفاع از حق تشکل و اعتصاب برای کارگران ایران، خواست آزادی کارگران زندانی، علیه سرمایه داری و در دفاع از سوسیالیسم سر داده شد. همینطور پروژه جنبش کارگری شورا در کونگستردگوردن میزی همراه با باندورل شورا و پیام و پوسترهائی بمناسبت روز کارگر داشت.
- ۱۳- ۱۰ مه شرکت در تظاهرات همبستگی با کارگران یونان در همکاری با چپ‌های سوئدی در مقابل سفارت یونان در استکهلم.
- ۱۴- تظاهرات در روزهای ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ مه در میدان سرگل و سپس دو روز متوالی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اعتراض به اعدام ۵ تن از زندانیان سیاسی. این تظاهراتها صبح همانروز که خبر اعدام‌ها پخش شد آغاز شد.
- ۱۵- ۲ ژوئن تظاهرات در دفاع از اشغال کنندگان سفارت جمهوری اسلامی در هلند مقابل سفارت هلند در استکهلم.

- ۱۶- ۵ ژوئن علیه نژاد پرستی. شرکت در فستیوال ضد نژاد پرستی در همکاری با چپ های سوئدی در یکی از پارکهای شهر استکهلم. شورا از برگزار کنندگان این مراسم بود.
- ۱۷- ۲۰ ژوئن تظاهرات در مناسبت ۳۰ خرداد و قتل عام انقلابیون علیه جمهوری اسلامی و مجازات اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی در مقابل بوک هاندل.
- ۱۸ - ۲۵ سپتامبر برگزاری جلسه عمومی در پالتاک بررسی سیاسی:
- یک سال تجربه مبارزات توده ای چپ
  - چگونه شورا بسازیم؟
  - چرا یک تشکل توده ئی چپ ضروری است؟
- و ...

### مباحثات رادیونی، جدل با راستها

طی این مدت نمایندگان شورا در مباحثات رادیونی متعددی شرکت داشتند. مضمون عمومی این مباحثات دادن تبیینی رادیکال از رویدادهای ایران، مخالفت با کلیت جمهوری اسلامی، دفاع از مبارزات کارگران و مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران، و تقابل با جریانات راست و طرفدار جمهوری اسلامی بوده است.

### شعارهای تاکنونی ما از جمله عبارت بوده اند از:

- سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
  - مرگ بر جمهوری اسلامی به سوئدی و فارسی
  - مرگ بر رژیم تروریستی در ایران به سوئدی
  - کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد ترور شکنجه اعدام ملغی باید گردد
  - زنده باد سوسیالیسم، زنده باد آزادی
  - زنده باد انقلاب کارگری
  - این لانه جاسوسی تعطیل باید گردد در مقابل سفارت به سوئدی و فارسی
  - قلم بیان تشکل آزاد باید باشد زندانهای سیاسی برچیده باید گردد
- و ...

### ضمیمه ۲

### اسنادی از فعالین شورا پیرامون ارزیابی از فعالیت یکساله شورا

مجمع عمومی شورا در ۲۱ اوت تصمیم گرفت که ارزیابی های فردی فعالان شورا در کنار ارزیابی عمومی شورا در صورت توافق خود دوستان منتشر شود. اسناد زیر نمونه هایی از ارزیابی های فردی فعالان شورا است که به عنوان ضمیمه منتشر میکنیم.

- ۱- چند نکته در باره شورا، سعید سهرابی
- ۲- نکاتی در باره جمع بندی، اسد نودینیان
- ۳- نقد و بررسی فعالیتهای یکساله شورا، قاسم
- ۴- شورا؛ یکسال فعالیت، کجا ایستاده ایم؟ سیاوش دانشور

\*\*\*

### چند نکته در باره شورا!

#### سعید سهرابی

ابعادی از حرکت شورائی ما در استکھلم چنان روشن است که نیازی به شرح آنها نیست . همه شاهد فعالیت های شورا بوده اند. پروسه شکل گیری و گسترش آنرا از نزدیک مشاهده کرده اند. سخت نیست که بگویم در مبارزات سال گذشته شورا عمده ترین آلترناتیو توده ای چپ در استکھلم بود. کسی نمی تواند آنرا انکار کند. همینطور سخت نیست که بگویم در موضع گیری سیاسی در قبال حوادث حق با شورا بود. هرچپ واقعی امروز به ما حق میدهد که صف خود را از سبز و رفورمیست ها و سکتاریست ها و سنتریست ها و پوپولیستها جدا کردیم. اینها به سادگی قابل رویت اند. فقط کسانی که با دنیای عمل رابطه ندارند و دشواریها و محدودیت های پراتیسیسین ها را درک نمی کنند می توانند این واقعیات را انکار کنند. برای یک خیال پرداز و منزله طلب شاید شورا زیاد اهمیتی نداشته باشد زیرا که در دنیای خیال او می خواهد کارهای مهمی بکند که هنوز مقدماتش فراهم نیست . معلوم نیست چه کس یا کسانی باید این مقدمات حاضر و آماده را تقدیم ایشان کنند. چنین افرادی به مشکل واقعی و عملی ما تبدیل نمی شوند و نشده اند زیرا که هرگز در دنیای عمل و کف کوچه و خیابان پیدایشان نمی شود. ما بیشتر با کسانی مشکل داشتیم که آرزو برای جمعیت های بزرگ حالشان را خراب میکرد . پوپولیست بودند . اینکه جمعیت چه می خواهد و به کدام سو میرود برایشان مهم نبود . به هر قیمتی می خواستند در اجتماعات بزرگ شرکت داشته باشند. این آرزوی شرافتمندانه ای می بود اگر محتوا و هدف جمعیت هم مورد نظرشان بود . در دفاع از نظرانشان می گفتند « میرویم از دست شان در میاوریم» متأسفانه در عمل به دنبالچه و تریچه نقلی های بساط آنها تبدیل می شدند. شورا مقابل این دیدگاه پوپولیستی ایستاد و اهمیت شعارها و خواسته ها را در نظر گرفت . بازی در بساط سرمایه را نپذیرفت . در مقابل تبلیغات ضد کمونیستها علنا و آشکارا گفت که از آلترناتیو سوسیالیستی حمایت می کند و خود را در مقابل صف سرمایه به صف کار و زحمت متعلق میداند . آغاز هستی متفاوت شورا از این درک ناشی میشود .

اینجاست که باید مصرا ایستاد . چه برای اکنون و چه آینده باید این آغازگاه را در نظر داشته باشیم. برای اینکه بتوانیم این مواضع را عملی کنیم نیازمند بررسی جوانب مختلف و موانع پیش برد این هدف هستیم . برخلاف نظریه

پردازان ما بعنوان پراتیسین ناچاریم مشکلات و محدودیت ها را بشکافیم و بر آنها فائق شویم. اولین مشکل پراکندگی چشم گیر در بین نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست است.

### پراکندگی و مبانی مشترک

علت این پراکندگی نه در ناباوری به سوسیالیسم و آزادی است بلکه در تشتت نظری و عدم انکشاف هم نظری ها در عرصه عمل است. جنبش کمونیستی یا نیروهایی که خود را به کارگر و سوسیالیسم منتسب میدانند از حرکت سرمایه عقب مانده اند. با ملزومات مبارزه روزمره علیه سرمایه منطبق نیستند. جنبه تدافعی حرکت های اعتراضی فرصت پیشروی نمیدهد. این بحران از جمله ناشی از تفوق جریانات بورژوایی است که لباس سوسیالیستی به تن کرده بوده اند. اتحادیه های کارگری را تسخیر کرده اند و... عقب راندن کارگران در مقابل سرمایه مسلما دلایل بسیار دیگری دارد که وارد آن نمی شوم تنها میخوام بگویم که دلیل واقعی ناباوری و ناکارآمدی سوسیالیسم در مقابل سرمایه نیست که پراکندگی را بین نیروهای سوسیالیست باعث شده است. فضا هر روز برای مقابله علیه سرمایه آماده تر میشود. پس نمی توان گفت علت کوچک بودن تشکل های کمونیستی بی باوری افراد خارج از تشکل ها به سوسیالیسم و محو اعتراضات عمیق علیه سرمایه است. به اعتقاد من راه غلبه بر بحران موجود قبول این واقعیت است که پراکندگی خود مولود شرایطی است که باید آنرا شناخت. گفتن اینکه اتحاد خوب است و باید متحد شد و اینکه انقلاب اتحاد و تشکل را در دستور قرار داده است هنوز از حد یک موعظه اخلاقی فراتر نمی رود. باید گفت چگونه متشکل شویم و پروسه تشکل یابی را طی کنیم. من فکر میکنم آغاز غلبه بر این بحران از همکاری حول عام ترین اهداف انقلاب شروع میشود. و متأسفانه اتحاد های جدی بلاواسطه در سطح ماکرو در اولین قدم قرار ندارد. تمام تلاش هایی که تا کنون برای اتحاد بلاواسطه صورت گرفته چون علل پراکندگی را در نظر نگرفته اند ناکام و محدود باقی مانده اند. اتحاد واقعی از عمل مشترک آغاز میشود. یکسانی ادعا های تئوریک در عمل کشف میشود. این امری صرفاً تحقیقی تئوریک نیست. همکاری نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست حول ملزومات انقلاب در ایران کاری ممکن و پایه ای برای اتحاد های آینده است. نیروهای هم نظر در عمل یاران خود را می یابند. مسلماً صرفاً همکاری بدون حداقلی از هم نظری ممکن نیست. شورا یکبار دیگر ثابت کرد که این مشترکات وجود دارد. آلترناتیو کارگری شورایی عام ترین اصل مشترک در بین چپ رادیکال در مقطع کنونی است. استقلال از نیروهای مدافع سرمایه اصل دیگری است که وجود شورا آنرا و مفید بودنش را به حال جنبش کارگری نشان داد. سرنگونی انقلابی اصل مشترک دیگر بود. تعهد به آزادی بی قید و شرط سیاسی و نفی اعدام و شکنجه و برچیدن زندانهای سیاسی از نکات مورد توافق است. همکاری حول اصولی از این دست تنها راه ممکن برای غلبه بر پراکندگی و بحران موجود است.

### مناسب ترین شکل سازمانیابی نیرو های پراکنده

شورا راه حل مذکور را برگزید. در این نوع همکاری احزاب و سازمانها و تشکل ها ضمن حفظ استقلال خویش بر سر موضوعات معین اجتماعی همراه با افراد مستقل حرکت می کنند. این نوع همکاری به تشکلی منعطف نیازمند است. یعنی پیوستن و جداسدن از آن داوطلبانه است. در عین حال در هر مورد کسی که نخواهد در حرکتی شرکت کند به حکم اکثریت مجبور نیست. کسانی که در چهارچوب اصول شورا بخواهند فعالیت را سازمان دهند که بقیه به ضرورت آن یا به هر دلیلی در آن شرکت نمی کنند آزادند پروژه ای خاص تشکیل دهند، هر چند تعداد آنها کم باشد.



آنها آزادند که افرادی را که عضو شورا نیستند در پروژه خود داخل کنند. تنها شرط رعایت اصول پایه ای مشترک است. پروژه زندانیان سیاسی و پروژه کارگری از این دست بود و هست. مجمع عمومی شورا تشخیص میدهد که پروژه از اصول شورا خارج است یا نه. اینها حاصل یک سال تجربه کار شورایی ما است. چیزی که امکان حرکت جمعی ما را فراهم کرد ولی دیده نمی شود خیلی ها از آن بی اطلاع هستند. این روابط است که میزان تحمل شورا را در مواجهه با مشکلات عملی بالا برده و مانع از تمرکز بر روی اختلافات شده است. در عین حال که هر کس نظرات خود را آزادانه بیان میکند. حالا که یکسال تجربه عملی در دورانی متلاطم صحت این کار را اثبات کرده است با وجدان راحت می توان این راه حل را به نیروهای انقلابی توصیه کرد تا در هر کجا هستند چنین تشکل هایی را سازمان دهند.

در این میان نقش احزاب و گروههای سیاسی بعنوان کسانی که از حداقل تشکل برخوردارند بسیار تعیین کننده است. در استکهلم این نقش از نظر من علیرغم افت و جیزها در مجموع بسیار مثبت بوده است. احزابی مثل حزب کمونیست کارگری که در ابتدا برای درک این استقلال مشکل داشتند در ادامه به خاطر گرایش سبزشان از شورا فاصله گرفتند و رفقای حکمتیست بواسطه درکشان از خیزش در ایران در رابطه با شورا کناره گرفتند. البته همکاری آنها با شورا در فعالیت های بیرونی هر از گاهی و اخیرا بیشتر شده است. بیشترین بار شورا اما در عمل به دوش نیروهای «مستقل» بوده است.

### برنامه های آینده

اگر قبول کرده باشیم که این راه درست و منطقی بوده است پس اساس کار آینده ما هم همین خواهد بود. در شرایط کنونی که وسعت اعتراضات به معنای خیابانی اش کاسته شده و برای سبزها و اقمارشان جنبش تمام شده فرض می شود اما برای ما اینطور نیست. جنبشی که ما به آن چشم داریم مدتهاست که در حال تکامل و قوام گیری است. پی آمد اعتراضات کنونی و پی گیری عواقب آن بعهده جنبش کارگری است تا بر علیه اعدامها، زندان و شکنجه و حصر آزادی قلم، بیان تشکل و اجتماعات اقدام کند برای پس زدن سرمایه داران هار که اسلحه در دست خیابانها را قرق کرده اند اقدام نماید. ما در خارج تازه کارمان بیشتر شده است دسته دسته کارگران را اخراج و زندانی میکنند. «سبزها» و «رنگین کمانها» نقش خود را بازی کرده و ناپدید شده اند تنها این آزادیخواهانند که باید کاری بکنند.

ما راه متشکل شدنمان را یادگرفته ایم. حالا باید برای شرایط کنونی خود را منسجم تر کنیم و پس از آن راه بیافتیم و به محل های دیگر برویم و برای متشکل شدنشان در شوراها تبلیغ کنیم. اینکه میگویند چه استکهلم چون زیادند پس رادیکال اند اصلا صحت ندارد. در آلمان بیشتر از استکهلم چه وجود دارد. متاسفانه اتکا به نفس لازم وجود ندارد و راه حل مناسب برگزیده نمی شود. ما باید ارتباطمان را گسترده تر کنیم و تجربه شورا را به همه جا ببریم.

### فعالیت انترناسیونالیستی

ارتباط با نیروهای انقلابی محل زیست مثلا چه های سوئدی را مدتی است آغاز کرده ایم باید آنها هدفمند و با برنامه کنیم. ارتباط انترناسیونالیستی و دفاع متقابل از اعتراضات آزادیخواهان و کارگران هم با تظاهرات جلوی سفارت یونان شروع شد. این جنبه کار را هم باید جدی بگیریم. انرژی آزاد شده از خیابان را باید در خدمت

کارهای پایه ای و جذب فعالین آزدیخواه و سوسیالیست به فعالیت قرار دهیم. باید خود و فضا را برای دور بعد آماده تر کنیم .

### رابطه با جنبش کارگری

رابطه ما با جنبش کارگری قبل از هرچیز در مضمون فعالیت ما نهفته است. تقویت آزدیخواهی و تبلیغ برای سوسیالیسم و آلترناتیو کارگری در جوهر خود ادای سهمی در جنبش کارگری است. با این همه این هنوز یک جهت گیری درست است و نه بیشتر. ما باید بتوانیم بر سر گره‌گاههای جنبش کارگری خم شویم و در نظر و عمل بر این مسائل تمرکز بیشتر بکنیم . موج اخراجها و دستگیری ها و سرکوب کارگران رو به افزایش است. ما در عمل بعنوان ارگان شناخته شده ای در سطح وسیع مشکلات و موانع سازمانیابی و اعتراضات کارگری را باید طرح نماییم . از طریق سمینارها و اطلاع رسانی مداوم به نیروهای ذیربط امکان همبستگی با کارگران را افزایش دهیم.

### نواقص تاکتونی کار ما

#### روابط درونی

برای سهولت همکاری ما نیازمند شناخت عمیقتر از مواضع یکدیگر هستیم . مناسبات درونی ما تا به اینجا گسترش نیافته است. عدم شناخت باعث عدم درک صریح دیگری میشود و فهمیدن دیگری انرژی زیادتری می طلبد . سوء تفاهم و قضاوت نادرست از دیگری عادی ترین عواقب این عدم شناخت است. پروسه کار مشترک به ما نشان داد که در اثر همکاری و شناخت بیشتر ار همدیگر رابطه ما صراحت و سهولت بیشتری یافت . اعتماد ما بیشتر شد و کارمان ساده تر . همین حد کم از شناخت هم توهمات ما را زدود و کسانی که خود را دور تر دیدند راه خود را جدا کردند . در این رابطه ما آگاهانه برنامه ای نداشتیم . بحث بر سر روابط و فعالیت‌هایمان بسیار کم صورت گرفت. مبانی شورا مورد بحث عمیق قرار نگرفت و بطور کلی پذیرفته شد . منشا پاره ای مشکلات عدم درک مشترک از اصول پایه ایمان بود.

#### جلب اعضای جدید

در این رابطه هدفمند جلو نرفتیم . موازین عضویت تا همین اواخر هم بطور دقیق روشن نبود. این مسئله و طریق پیش برد آنرا باید مورد بحث و تصمیم گیری قرار دهیم.

#### تبلیغات

ما همیشه در رابطه با تبلیغات ضعیف بوده ایم باید این ضعف را بر طرف کنیم. در این رابطه برای سایت شورا باید تصمیمی جدی بگیریم . شکل کار و موضوعات آنرا دقیق کنیم. به نوعی تبلیغ مداوم در عرصه شهر و اینترنت نیازمندیم .

پیروز باشید  
سعید سهرابی  
۲۰ اگست ۲۰۱۰

**بعد از تحریر:** نکات زیر طی مبارزه ایدئولوژیک بر سر جمع‌بندی نوشته‌م که می‌تواند چکیده نظرات من باشد

رفیق عزیز سیاوش دستت درد نکند.

تا آنجا که جنبه تبلیغی و تهییجی مطرح است نوشته پر قدرت و کامل است. از آنجا که این جمع‌بندی می‌خواهد به دیگران علت موفقیت شورای استکھلم را بگوید تا به عنوان الگو بتواند مورد استقبال قرار گیرد باید به طور صریح و مستقیم وارد این بحث شود که علت موفقیت شورای استکھلم چه بود. و کنکرت جواب آنرا در چند بند بدهد. زیرا بودند کسانی که سرخ بودند ولی شورا نبودند. کسانی بودند که شورا بودند ولی رادیکال و سرخ نبودند. و کسانی که سرخ بودند (تا آنجا که به پرچم مربوط است) و در شورا هم بودند ولی به استقلال عملی نظری پایبند نبودند. یکی از علل موفقیت شورا علاوه بر نکاتی که گفتیم **استقلال عملی نظری** از صف مقابل بود. اینرا باید برجسته تر کرد. نکته بعدی **شکل مناسب سازمانی** با تعریف اساسنامه بود. چیزی که شورای استکھلم را از هر شورای دیگری متمایز میکرد. شورای ما تحت سیطره حزب معینی نبود در حالیکه احزاب و سازمانها در کنار منفردین و در همکاری با هم و در عرصه خیابان و از پایین آنرا ساخته بودند. در شورای ما امکان ایجاد پروژه های مستقل وجود دارد. این شکل سازمانیابی و شرکت احزاب و سازمانها در کنار منفردین و همکاری آنها با هم به اضافه **تأکید بر آلترناتیو کارگری و سوسیالیزم** چکیده کنکرت موفقیت شورای استکھلم است. این دلایل که در جلسه بیان شد و مخالفتی هم با آن نبود. اگر موافق باشید در جمع بندی صراحت یابد. این مفاهیم در جمع بندی بطور پراکنده و ضمنی وجود دارد اما من ضرورت صراحت و تأکید بر ارتباط این مولفه ها با هم را در یکجا خیلی مهم میدانم و کار تبلیغی ما را در رسانه ها آسان تر میکند. و سهم منفردین و احزاب و تشکلهای انقلابی را یادآوری میکند.

۲۳۰۸۱۰

\*\*\*

رفقای عزیز با درود و سلام

**اسد نودینیان**

عزیزان متأسفانه من بدلیل شرکت در جلسه دیگری که قبلاً تاریخ آن تعیین شده بود، امکان شرکت در جلسه را ندارم.

ارزیابی رفقا را خوانده ام نکات و ملاحظات در رابطه با این ارزیابیها دارم که متأسفانه اکنون امکان نوشتن یا شرکت در جلسه برای طرحش را ندارم. اما در یک کلام صرفنظر از هر ارزیابی و ملاحظاتی که از ارزیابی رفقاء داشته باشیم یک نکته مهم را باید در نظر داشت.

شورا حاصل تلاشی مسئولانه از جانب تعدادی از جریان‌های سیاسی و رفقای فعال سیاسی است. این تلاش در اعتراضات یکساله و نیم گذشته، به میزان امکان‌های تلاش نمود نقش داشته باشد. تلاش نمود بگوید که چپ، برابری طلبی، سوسیالیسم راه نجات مردم ایران است. آلترناتیو راست را در حد توانش افشا کرد. در حرکت‌های اعتراضی تلاش نمود کارگر و برابری طلبی نمایندگی بکند. همین سطح از کار نشان می‌دهد ضرورت وجودی و ادامه کاری شورا واقعی و ضروری است. همین سطح نشان می‌دهد باید این تلاش را هزاران برابر نمود. اکنون با کاهش حرکات اعتراضات خیابانی این تصور پیش آید که شورا کاری برای انجام ندارد. من فکر می‌کنم پروژهای که در این دور شورا در رابطه با حمایت از مبارزات کارگری، زندانیان سیاسی و ... داشته تجربه خوبی از وظایف هستند.

مسئله مهمی که در ارزیابی رفقای دیگر هم آمده مسأله ارزیابی از یکسال حرکات اعتراضات توده‌ئی و در بطن آن نقش ما و کل چپ مسأله‌ای اساسی است. این چرا نمی‌تواند شورا یکی از محمل‌های دامن زدن به این بحث در ابعادی علنی باشد؟

وظایف دیگری در رابطه با اعتراضات کارگری و توده‌م‌ی در ایران علیه اعدام و سنگسار چرا نمی‌تواند از جمله کارهای باشد که شورا انجام دهد. عقب زدن تلاش‌های رژیم در خارج کشور همگی کارهای هستند که نشان می‌دهند هنوز کارهای زیادی است، که علاوه بر تنوع نظرات و اختلافات نظریمان مشترکاتی هستند که ضرورت جمع شدن را نشان می‌دهد. تجربه شورا نشان می‌دهد شورا این ظرف است.

گفتم ارزیابی‌مان می‌تواند متفاوت باشد می‌توان ملاحظاتی جدی به ارزیابی‌های ارائه شده داشت. که من خود دارم. اما اینها به هیچ وجه نافی این ضرورت بودنمان در شورا و کار مشترکمان نیست.

رفقاء باز با معذرت از عدم شرکت در جلسه بدلیل جلسه دیگری که ضروری است شرکت کنم برایتان آرزوی موفقیت دارم

موفق باشید اسد نودینیان

\*\*\*

### نقد و بررسی فعالیت یک سال گذشته شورا

#### قاسم

شورا بر بستر خیزش عام توده‌های به ستوه آمده مردم ایران و برای یاری رسانی به این خیزش و جهت دهی آن به خواسته‌های سوسیالیستی در استکھلم شکل گرفت.

حال بعد از یک سال می‌خواهیم به عقب برگردیم و نگاهی به عمل کرد شورا و تحقق اهدافی که شورا برای خود برگزیده بود بیاندازیم.

به نظرم در کلیت اهداف شورا:

- ۱ - پشتیبانی از مبارزات آزادیخواهانه و دموکراتیک مردم ایران از منظر سوسیالیستی.
  - ۲ - طرح آلترناتیو سوسیالیستی در مقابل سایر آلترناتیو دموکراتیک و بورژوازی.
- با چنین برداشتی، شورا از احزاب و سازمانهای چپ و سوسیالیست و نیروهای دمکرات دعوت به همکاری مشترک در چهار چوب پلاتفرمی که در جریان اتحاد عمل شکل گرفت کرد.
- من در قسمت اول نوشتارم فقط به دو موردی که در بالا به عنوان اهداف به آن اشاره کردم خواهم پرداخت تا برای شروع بحث بتوانیم به همراه سایر رفقا همه جانبه نقاط ضعف و قوت حرکت یک سال گذشته شورا را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

### - پشتیبانی از مبارزات آزادیخواهانه...

شورا در این مورد بسیار موفق عمل کرد، با اینکه در ابتدای حرکت به دلیل دیدگاه متفاوتی که در جنبش چپ ایران از این خیزش توده ای وجود داشت و دارد، ولی شورا توانست اکثر نیروهای چپ، به ویژه افراد منفرد کمونیست را در استکھلم گرد هم آورد. و در ادامه، همین تفاوت یکی از دلایلی بود که بعضی از جریانات به مرور از شورا فاصله گرفتند ولی همچنان ارتباط خود را با شورا حفظ کردند. در این زمینه سه نگرش در شورا، در برخورد به این مبارزات خود را مطرح می کردند:

#### ۱ - دیدگاه قالب

خیزش اخیر با اینکه مطالبات اش دموکراتیک است ولی بر بستر خواستهای به حق و واقعی توده ها، نه ایست به حاکمیت اسلامی، و با در نظر گرفتن کلیت ناهمگون و تلاش بخشی از حاکمیت برای مهار و رهبری آن باید از این مبارزات دفاع کرد و به خطرات پیش روی آن اشاره داشت، و با شعار سرنگونی، کلیت رژیم را هدف قرار داد. ضمانت پیروزی آن در گرو به میدان آمدن کارگران و اقشار تهیدست با مطالبات و رهبری خود.

#### ۲ - انقلاب

دیدگاه دوم حرکت اخیر را انقلاب می نامید و خواهان دفاع همه جانبه از آن و در این راستا حاضر به همکاری با جریانات رفرمیست هم بود به همین دلیل بدون علام خروج از شورا دست به همکاری مشترک با جریانات سبز زد و در عین فاصله گرفتن از شورا ولی همچنان با آن در ارتباط بود.

#### ۳ - بازی بالائی ها

حرکت اخیر بازی ایست که حاکمیت به نام انتخابات برای سرپوش گذاشتن شکست ها و ناتوانی های خود و انحراف مبارزات توده ها براه انداخته.

این دیدگاه همانند دیدگاه دوم آرام خود را از فعالیتهای شورا کنار کشید، و همچنان در ارتباط با شورا. با در نظر گرفتن چنین دیدگاه هائی، شورا توانست در اکثر موارد با احترام به دیدگاه های موجود، کار تبلیغ و ترویج و سازماندهی را در استکھلم پیش برد و در مقابل آنهایی که دفاع بدون چون و چرا، از آنچه در ایران جریان

داشت (سبزه‌ها)، قطب دیگری سازمان دهد که در عین دفاع از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران به خطرات پیش رو و انحرافات آن و همچنین طرح شعار سرنگونی تأکید کند و از راه حل سوسیالیستی دفاع نماید. با تشکیل جلسات متعدد برای تهیه پلاتفرم مناسب همکاری و همچنین برنامه ریزی برای اعتراضات خیابانی در شهر استکهلم، توانست سوسیالیستهای ایرانی این شهر را گردهم آورد و به دفاع از خواستهای مردم ایران صدای رسایشان در این شهر باشد.

#### — طرح آلترناتیو ....

این مورد را می شود از منظر گوناگون مورد بررسی قرار داد که هر یک از این موارد بیانگر بخشی از واقعیت موجود است.

— آیا چپ ایران درک واحدی از آلترناتیو جامعه سرمایه داری یعنی سوسیالیستی و پرولتری دارد؟ پاسخ یک نـه بزرگ است.

من اگر نخواهم به عمق بروم باید در این باره دو دیدگاه عمده را در میان سازمانهای سوسیالیستی به آن اشاره کنم. ۱ - آلترناتیو جامعه سرمایه داری سوسیالیسم است. طبقه ای که تاریخا توانائی تحقق این انقلاب و برقراری مناسبات سوسیالیستی را دارد طبقه کارگر به مثابه یک طبقه اجتماعی است. وظیفه عناصر و یا سازمانها و احزاب کمونیستی و سوسیالیستی تدارک چنین انقلابی است که توسط کارگران و به رهبری او صورت می گیرد. ما چه بعنوان عناصر و چه بعنوان سازمان و حزب می توانیم در این تدارک سهیم باشیم. تا به امروز هیچ یک از جریانات سیاسی، یا حزب و سازمان به تنهایی توانائی انجام چنین کاری را نداشته. با اینکه چه در گذشته و چه حال برای انجام چنین کاری مدعی زیاد بوده و است. چنین تدارکی در وضعیت کنونی طبقه کارگر ایران، کمک به تشکیل یابی آن حول محور خواستهای سوسیالیستی و در ادامه کسب قدرت سیاسی به رهبری و توسط خود طبقه کارگر نه حزب و سازمان سیاسی حامی آن. در شورا همگان چنین نمی اندیشند.

۲ - هستند نیروهائی که خود را حزب طبقه کارگر میدانند، و به طبقه پیشنهاد میکنند برای تحقق انقلاب و خواستهای طبقاتی خود به این حزب به پیوندند. آنها هستند که طرح و برنامه کامل برای برقراری "حکومت انسانی" دارا هستند. کارگران و دیگرانی که خواهان چنین حکومتی هستند باید به حزب طبقه خودشان که آنها رهبری می کنند بپیوندند.

این نمونه ها در باره آلترناتیو که در با لا به آن اشاره رفت، صرفا برای طرح مباحث تئوریک نیست. این نوع تفکرات سالهاست در جنبش چپ وجود عینی دارد، و بجش عظم پراکندگی آن را موجب میشود. چون دیدگاه دوم در باره آلترناتیو این گونه می پندارد که، آلترناتیو در حال حاضر وجود دارد، و آن هم حزب شان است. فقط دیگران و طبقه کارگر باید به آن بپیوندند. هر تلاشی در جهت طرح آلترناتیو پرولتری توهم پراکنی است. شرکت این جریانات در شورا، طرح آلترناتیو خود است. چون خود به تنهایی توانائی حرکت گسترده اعتراضی را ندارند، شورا را ظرف مناسبی برای طرح آلترناتیو حزب خود یافتند.

در همین جا لازم میدانم به ضعف شورا در زمینه طرح آلترناتیو پرولتری که بیان کننده هویت تاریخی ما چپ هاست. و صف مستقل ما را با سایر نیروهای اجتماعی نشان میدهد، اشاره ای داشته باشم. طرح خواستهای دمکراتیک و مبارزه برای سرنگونی رژیم های دیکتاتور، ضرورتی است انکار ناپذیر و لازم است ما سوسیالیستها در تحقق آنها تلاش کنیم، ولی کافی نیست. اینها حداقل خواستهای ما سوسیالیستهاست. رسالت تاریخی ما چپ ها

طرح مطالبات سوسیالیستی و پرولتری است. من از رفقای شورا این پرسش را دارم، آیا این مطالبات رنگ سرخ و پرچم سرخ است؟ اگر اینگونه نیست. کجا و در کدام اعلامیه و شعارهای شورا آنها تبلور یافته؟ و یا زمان طرح این مطالبات کی خواهد بود؟

کوتاه سخن اینکه شورا در کوتاه مدت در مقابل سبزه‌های شهر استکهلم توانست آلترناتیو ارائه دهد. این کار نیز به نوبه خود تأثیر زیادی برای ایجاد صف مستقل سوسیالیستی در شهرها و کشورهای دیگر داشت. اما در دراز مدت باید دید با چنین نگرش سکتاریستی و ناتوانی شورا در نقد و بررسی تئوریک آن که آفت اتحاد عمل و همکاری مشترک و در نهایت ایجاد آلترناتیو پرولتری است چه طرح و برنامه‌ای در دستور کار خود قرار خواهد داد.

به امید آینده

قاسم

۱۲-۰۸-۲۰۱۰

\*\*\*

### شورا؛

### یکسال فعالیت، کجا ایستاده ایم؟

#### سیاوش دانشور

رفقای گرامی، کمیته هماهنگی شورا تصمیم گرفت بمناسبت سالروز فعالیتهای شورا جمع‌بندی خود را منتشر کند. این جمع‌بندی به نظر من باید دریچه‌ای به "چه باید کرد" آینده شورا باشد. من نظرم را در باره شورا، اهمیت و جایگاه سیاسی آن، پراتیک آن، انتظاراتی که ایجاد کرده است، و آینده شورا در این یادداشت در رؤس کلی بیان کنم.

#### چرا شورا؟

شورا محصول عروج مبارزه توده‌ای علیه جمهوری اسلامی است. جریانی که ابتدا با کمیته "نه به انتخابات" شروع شد و بعدتر بنا به خصلت دوام‌یابنده اعتراضات نام "ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران"، را بر خود نهاد، بنا به نیازهای مبارزه سیاسی در داخل و خارج کشور و ضرورت ایجاد سنگری چپ و انقلابی شکل گرفت. این جریان بسرعت به یک قطب تقابل سیاسی در استکهلم و سوئد تبدیل شد و تأثیر و الگوی فعالیت آن در دیگر کشورها نیز قابل روئیت است.

#### بازسازی اعتمادها

نیروهای چپ در استکهلم همواره و بنا به توان خود تلاش کردند علیه جمهوری اسلامی بایستند، در کمپینهای حمایتی شرکت کنند، راسا مبتکر فعالیتهای مختلفی باشند، و مجموعاً بالانس فضای رادیکال و ضد جمهوری اسلامی را در این شهر نگاه دارند. این فعالیتهای مستقل از هر نقطه قوت و ضعفی در اساس از خصلتی موقت برخوردار بوده است. نه فقط نتیجه این فعالیتهای به نهادی پایدار و با توافق عمومی منجر نشده است بلکه بعضاً به

هرز نیرو، مجادلات غیر لازم، و پراکندگی بیشتر منتهی شده است. این وضعیت به راستها امکان میداد که با اتکا به بدترین نمونه ها علیه چپ و کمونیستها بطور کلی سمپاشی کنند. اولین نقطه قدرت شورا این است که به این دوره پایان داد. نفس شکلگیری، بقا و دوام شورا بیانگر آغاز بسته شدن دوره بی اعتمادی و پراکندگی بود. شورا توانست بدرجه زیادی اعتمادها را بازسازی کند، پرونده گذشته ها و اختلافات فردی و گروهی را به قلمرو مباحث بیرون شورا احاله دهد، و وظیفه ایجاد چتری که سرنگونی طلبان و رادیکالها و سوسیالیستها را متحد کند در مقابل خود قرار داد.

### مفاهیم پایه ای شورا

شورا مفاهیمی پایه ای و کلیدی و مورد توافق را مطرح کرد که بدون آنها نمیتوانست ادامه کاریش تضمین شود. ۱- **پرچم سرخ** بعنوان پرچم معرفه جنبش بین المللی طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی، ۲- **سرنگونی طلبی انقلابی** بعنوان مرز قاطع با کلیه نیروهای راست و "چپ" که بنحوی از انحا تلاش دارند با جناحی از رژیم بسازند و یا سیاست شان تقویت جناحی از رژیم است، و یا بکمک آمریکا میخواهند رژیم اسلامی را بیاندازند، ۳- تاکید بر **تقابل پایه ای و استراتژیک چپ و راست** در قلمرو جامعه و به این اعتبار **جانبداری سیاسی برای آینده ایران**. در وضعیتی که بلوک راست اعم از سلطنت طلبان و ناسیونالیستها و جمهوریخواهان توده ایست و ملی اسلامی ها با پرچم سه رنگ و سبز و سیاست دفاع از جناحی از رژیم خود را تعریف میکنند، و تلاش دارند نه فقط اعتراض مردم در ایران را در این چهارچوب قالب بزنند و معرفی کنند، بلکه اعتراض ایرانیان خارج از کشور را نیز حول همین سیاست شکل دهند، شورا لازم بود آگاهانه و قاطعانه با تمایزات روشن و جانبداری سیاسی بمیدان آید. **بدون این امکان شکل دادن به قطبی سرخ و سرنگونی طلب و طرفدار سوسیالیسم و راه حل کارگری غیر ممکن بود.** این تفاوتها نه فقط نقطه قدرت اساسی شورا و منشا حمایتهای تاکنونی از آنست بلکه زمینه رشد و ادامه کاری آن نیز هست. مفاهیم پایه ای شورا نه مفاهیمی ایدئولوژیک بلکه مفاهیمی سیاسی و اجتماعی اند و بسرعت امکان توده گیر شدن دارند. طولی نکشید که "قطب سرخ ها" برسر زبانها افتاد و شورا به یکطرف جدی مجادلات سیاسی تبدیل شد. شورا با این خصوصیات توانست تشکیلی آلترناتیو و چپ و سرنگونی طلب را در مقابل تشکلهای راست و طرفدار جناحی از حکومت و خود جمهوری اسلامی و فعالیتهايش شکل دهد. این ویژگی نقطه قدرت اساسی شورا است.

### فرهنگ و سنت سیاسی جدید

شورا فرهنگ و سنت سیاسی جدیدی را ارائه کرد. قبلمتر کمیته ها و نهادهایی که موقتا تشکیل میشدند عموماً بر شعارها و هویتهای سیاسی و حزبی دستکم در آن تلاش معین خط میزدند و یا در بهترین حالت در هر موردی ائتلاف تعدادی از سازمانها و افراد حول حداقل ها شکل میگرفت. شورا نه میخواست و نه بنا داشت این روشها را دنبال کند. شورا نه در پی اتحاد چپ بود و نه در پی ایجاد سازمان و حزبی جدید. شورا نهادی توده ای بود و هست که برای همه جا داشت و جا دارد. برای همه کسانی که میخواهند در اردوی چپ بایستند و علیه جمهوری اسلامی و اردوی راست کار کنند.

مشخصه شورا شعار سرنگونی و پرچم سرخش بود که بر تریبون و سن تظاهراتها کوبید. تریبون را برای نمایندگان احزاب و فعالین سیاسی باز و هویتها و سیاستها را به روشنی در مقابل جامعه گذاشت. آوردن پرچمها و شعارهای جریانات و افراد متشکل در شورا در اجتماعات شورا آزاد بودند. شورا هیچ محدودیت و یا امتیازی برای احزاب و



گروهها یا افراد قائل نشد. شورا تلاش کرد تعداد زیادی بعنوان چهره ها و فعالین آن قد علم کنند. شورا راه را برای شکوفائی همه استعدادها و داوطلب بودنها در چهارچوب مصوباتش باز گذاشت. در عین حال نظر فردی همواره محترم شمرده شد و هیچ مصوبه شورا مانع ابراز وجود مستقل افراد نگشت. هیچ سازمانی، هیچ اقلیتی در شورا، در صورتی که با سیاستهای مصوب موافق نبود، ملزم به حمایت از آن نبود. شورا روی اتحاد آگاهانه و سیاسی و انقلابیگری و مناسبات مدرن و برابر تاکید گذاشت. در یک کلام شورا به سمت ایجاد سنت، فرهنگ، سبک کار و اتحادی باز و سیاسی و پیشرو رفت. در این زمینه البته بدون اشکال و ایراد نبوده است، اما بیشتر به این سمت رفت. و این فرهنگ سیاسی جدید اگر در تقابل با سنت قدیمی تر کار چپها پیشروی محسوب میشد، در تقابل با سنت دیروزی و امروزی کمپ دمکراتها و راستها فرسنگها جلو است. فقط بیاد بیاورید که این دمکراتها در کشورهای مختلف برای چپها پلیس صدا زدند، علیه شعار سرنگونی قشقورق راه انداختند، برخورد فیزیکی کردند و بدترین تعصبات فالانژیستی را در سطح رهبران نشان دادند، و البته هنوز "تمرین دمکراسی" میکنند. سوسیالیستها و کمونیستها اما نشان دادند که یک گوشه آزادیخواهی شان بارها از محتوای دمکراسی خواهی کمپ راست جلوتر است.

### پراتیک انقلابی شورا

لیست و میزان کارهای شورا را میتوان با دقت برشمرد و ارائه کرد. اما قبل از این لیست اهمیت محتوایی فعالیتهای شورا باید برجسته شود. چون این لیست میتواند بیشتر و کمتر باشد اما محتوای سیاسی و تاثیراتش در جامعه ریشه دارتر است و درک درست آن برای پیشرویهایی آتی مهم تر است.

من مایلم هر رفیقی این سوال ساده را در مقابل خود بگذارد و به آن جواب دهد؛ اگر شورا نبود چی میشد؟ پاسخ من اینست حتما چپها و سازمانها در حد توان و امکانشان تلاش میکردند. اما اگر شورا نبود، اگر فعالیتی از این جنس نبود، فضای شهر استکهلم و به این اعتبار فضای جامعه سوئد دست جمهوری اسلامی می افتاد. چه خود جمهوری اسلامی با سفارتخانه ها و جاسوسانش و چه طرفداران مکلا و "روشنفکر" و "دگراندیش" جمهوری اسلامی که بعنوان پیاده نظام آن عمل میکردند. فقدان حضور قوی چپ به خلا منجر نمیشود، راست را حاکم میکند. چه راست رژیم و چه راست در اپوزیسیون. اگر شورا نبود چپ از رویدادهای یکسال گذشته ضعیف بیرون می آمد و راستها میداندار میشدند. اگر شورا نبود تبلیغات علیه کمونیستها و چپها دهها برابر میشد و بسیاری از آدمهای شریف گوشه گیر میشدند. اگر شورا نبود کسی به سفارتخانه های جمهوری اسلامی تهاجم نمیکرد و اگر میکرد چنین تاثیر کوبنده و در برگیرنده ای نداشت. اگر شورا نبود راستها شقه شقه نمیشدند، نیمه سرنگونی طلبان سرنگونی طلب نمیشدند. من بر این نظرم که پیشروی تاکنونی شورا روی دوش عمل انقلابی و متحد تعدادی سازمان و حزب و افراد و حامی پر شور انقلابی صورت گرفت و نه در خلا. بدون این حضور، با تمام اشکالاتش، این پیشروی حاصل نمیشد و این موقعیت بدست نمی آمد. اگر شورا و این تلاشهای فردی و جمعی نبود، مردم محروم ایران آنطور که باید نمایندگی نمیشدند.

تاثیرات پراتیک انقلابی شورا – اعم از حضور پر شور و مستمر خیابانی تا حضور سیاسی و جدل با راستها و تلاش برای دادن تصویری واقعی از رویدادهای ایران – ماندگار و عمیق است. این پراتیک منجر به تغییراتی در دیدگاهها و ایجاد نوعی حق بجانبی برای سوسیالیستها و شورا شده است. من برای روشن شدن نکته ام به سیستم ساده مقایسه ای رجوع میکنم؛

راستها میخواستند جمهوری اسلامی را به مردم این بار با نام سبز بفروشد و شورا سرنگونی طلبی را در مرکز تلاش سیاسی قرار داد. راستها میخواستند اعتراض مردم را به "رای من کو؟" و چهارچوب دفاع از موسوی بکشاند، شورا نه فقط نقاب از چهره این سیاست دست راستی برداشت بلکه عملاً سیاست تهاجم به جمهوری اسلامی را در دستور قرار داد. راستها میخواستند خارج کشور را به تریبون سبز و جمهوری اسلامی تبدیل کنند، شورا برشی رادیکال را در سیاست خارج کشور ایجاد کرد و حمله به جمهوری اسلامی پدیده ای عمومی شد. راستها میخواستند ملغمه ای از اسلام و ناسیونالیسم را به مردم بفروشد، شورا خواستهای برابری طلبانه و آزادیخواهانه قدیمی مردم ایران اعم از کارگران و زنان و دانشجویان و نسل جدید را مطرح کرد. راستها میخواستند آینده ایران را به انقلاب مخملی و اصلاح جمهوری اسلامی و یا به حمله نظامی و خط مشی مسالمت با جمهوری اسلامی تبدیل کنند، شورا سیاست تقویت خط مشی سرنگونی طلبی انقلابی و سیاست دفاع از راه حل کارگری و سوسیالیستی را مطرح کرد. راستها با پرچمها و سمبلها و شعارهای مشخص خود بمیدان آمدند و شورا در مقابل همه اینها سیاست و پرچم و شعار و تاکتیک خود را گذاشت. راستها میخواستند سیاست "همه با هم" را در خدمت دفاع از جمهوری اسلامی با اتکا به "شعارهای خود مردم" حاکم کنند، شورا در مقابل این سیاست ایستاد و گفت راست و چپ منافع متمایز دارند، همه با هم نداریم. ضد زن و طرفدار آزادی زن نمیتواند متحد شوند، ضد کارگر و طرفدار سرمایه داری نمیتواند با کارگر و ضد سرمایه داری متحد شوند. راستها عیله انقلابیگری و سرنگونی طلبی مردم با عناوین "مقابله با خشونت" بمقابله برخواستند و شورا در میدان واقعی چه سیاسی و چه عملی شکست شان داد.

این نمونه های عمومی تر و بسیاری نکات دیگر، موقعیت و جایگاهی در تناسب قوای سیاسی استکھلم به شورا و چپها بطور کلی میدهد که خود به منشا انتظارات جدید از شورا تبدیل شده است. انتقادها به شورا اساساً این نیست که چرا در مقابل جمهوری اسلامی و راستها قاطع عمل کرده است بلکه اینست که چرا بیشتر و گسترده تر تلاش نمیکند. این موقعیت نسبتاً مناسب شورا، هم امکان بالقوه رشد و گسترش دارد و هم میتواند از کف برود. دستاوردها پس انداز نمیشوند. باید در پس فتح هر سنگر گامی بجلو برداشت و گرنه درجا زدن آغاز عقب نشینی و پسروی است.

### اتکاء به مجمع عمومی

کار شورا براساس تصمیم این و آن و یا روش کار محفلی نبوده است. هر محفل و افراد فرضی هر چه در مخیله داشتند و یا نداشتند، شورا اساساً تصمیماتش را در مجامع عمومی ای گرفت که براساس آئین نامه آن رسمیت داشتند. شورا متکی بر انتخابات مستمر بود. فعالیت در شورا اجباری نبود بلکه آگاهانه و داوطلبانه بود. شورا سیاستش اینبود که با عضویت هر کسی امکان تحرک و فعالیتش بالا برود. شورا علنی بود. نمایندگان دوره ای اش علنی بودند. تصمیمات شورا همواره از این طریق و یا از طریق بیانیه ها و اطلاعیه ها اعلام شده است. در عین حال افراد شورا بصورت فردی تلاش کردند و نظرات خود را بیان کردند. در مجمع عمومی شورا همه دارای رای و حقوق یکسان بودند و همه میتوانند برای هر کار و پستی کاندید شوند و انتخاب کنند و انتخاب شوند. پیوستن به و رفتن از شورا داوطلبانه بوده است. این نوع کار، یعنی متشکل کردن و حرکت درآوردن نیروی توده مردم و دخالت آنان در سیاست، روش قدیمی سوسیالیستها و انقلابیون بوده است که با روشهای الیتریستی و شاهی و امامی و رئیس و مرنوسی مشکل جدی داشتند و اساساً میخواهند این مناسبات را ور بیاندازند.

## کمبودهای شورا

کمبودهای شورا در اساس محصول پروسه شکلگیری و جا افتادن روشهای کار آنست. شورا با آن سرعتی که باید نتوانست خود را به ارگان متشکل کننده توده وسیع مردم مخالف جمهوری اسلامی تبدیل کند. اگر یک دلیل این امر روندی بود که شورا در دل آن شکل میگرفت و عدم سازماندهی همه نیروهای آماده بکار بود، یک دلیل دیگر این بود که شورا ابتدا بعنوان اپوزیسیون بستر اصلی وارد عمل شد. (منظورم از اپوزیسیون وجه سیاسی و مخالف آن نیست بلکه وجه حاشیه ای تر یک نیروی مدعی است) اگر راستها حول انتخابات همراه با رسانه ها و دولتها و امکانات وسیعی که داشتند بستر اصلی سیاست را تشکیل میدادند، شورا خلاف جریان بود و علیه این روند و در پی ایجاد سنگری برای مقابله با آن. پروسه تغییر موقعیت شورا میتوانست زودتر طی شود چون از نظر سیاسی خیلی زود پوچ بودن استراتژی اصلاح طلبان حکومتی و طرفدارانشان معلوم شد. میتوانست شکست آنها به قدرت ما و مردم ترجمه شود. اما آنطور که باید نشد. دلایل این بود شورا مجموعاً نتوانست خود را همراه با تحولات جلو بکشد، در راس بسیج توده ای با پرچم چپ قرار گیرد، و سازمانش را به سازمان دربرگیرنده ایرانیان مخالف و انقلابی و آزادیخواه جمهوری اسلامی تبدیل کند. دلایل این امر تاریخی تر اند. از جمله تجربه کار توده ای که هویت اجتماعی چپ دارد وجود ندارد. به هر حال این امری عملی است و شورا میتواند خطوط اینکار را ترسیم کند و به سمت آن برود. در یک کلام، در پس موفقیتهای و حقانیت سیاسی اش، و همینطور روی دوش تحولات سیاسی ایران و بن بست راستها، شورا میتواند و باید از موقعیت اپوزیسیونی به موقعیت بستر اصلی شیفیت کند. یعنی نیروی اساسی در خارج کشور حول چپها و شعارهای چپها و سرخ ها بسیج شود و راستها در موقعیت ضعیف قرار بگیرند. چنین سازمانی میتواند یک سرمایه بزرگ برای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه و انقلابی و کارگری در ایران باشد. کمبودها و ضعفهای دیگری از جمله در زمینه سبک کار، امور اداری، تکنیکی و تدارکاتی، جلب عضو، نداشتن امکانات رسانه ای، فقر مالی، عدم اجرای دقیق قرارهای شورا در محل عمل، عدم استفاده از تمام ظرفیتی که بالقوه وجود داشتند، و غیره... اولاً مجموعاً در قیاس با پیشرویهای جای مهمی را اشغال نمیکند و ثانیاً یک ریشه این ضعفها در تقابل برداشتها از شورا و وجود سنتهای کاری و تجارب فردی و جمعی گذشته است. شورا پدیده جدیدی است و اگرچه تعداد زیادی انسان شریف و انقلابی و سوسیالیست همیشه در صف آن بودند اما عموماً با اتکا به نیروی بخشی از اعضایش کارها را جلو برده است. اگر از نظر سیاسی شورا بتواند استکھلم را **شهر سرخ** ها کند و به موانع اینکار فائق آید، آنوقت بقیه مشکلات و کمبودها بسیار زود رفع میشوند. این "اگر" در گرو اراده انقلابی و انتخاب سیاسی همه کسانی است - اعم از اعضا و حامیان شورا - که تاکنون شورا روی دوش آنها جلو رفته است و بدون آنها شورا معنی ای نمیداشت.

## خطوطی برای آینده

از نظر من وجود تاکنونی شورا موثر و مثبت و حیاتی بوده و باید آگاهانه و با نقشه بکارش ادامه دهد. دلایل ساده و روشن اند:

۱- اوضاع جمهوری اسلامی بجای سابقش برنمیگردد. بحران سیاسی تشدید میشود و تقابل شدید با حکومت اجتناب ناپذیر است. خارج کشور بخشی از مبارزه است و این تقابل سیاسی در دو جبهه خارج و داخل صورت میگیرد.

- ۲- راستها انواع طرح برای بده بستان سیاسی از بالای سر مردم و طبقه کارگر دارند و تقابل متشکل با این سیاستها امری ضروری، دائمی، و شرط پایه ای پیشروی چپ بطور کلی است.
- ۳- موقعیت نابسامان جمهوری اسلامی و مؤتلفین سیاسی اش در اپوزیسیون و سیر رشد مبارزه انقلابی، ضرورت یک نهاد توده ای و خوشنام و رادیکال و چپ را در خارج کشور ضروری کرده است. شوراها میتوانند این نقش را بعهده بگیرند.
- لذا شورا باید خطوط آتی کارش را روشن کند، افقی روشن و سیاستی نقشه مند داشته باشد:
- ۱- باید سازمان شورا بعنوان یک کلیت روشن تر شود و چهارچوبش را برای تبدیل شدن به یک سازمان توده ای و چپ و یک سنگر قوی حامی مبارزه انقلابی تحکیم کند.
  - ۲- شورا باید سیاستش را به جامعه اعلام کند و برای جلب نیرو حول این چهارچوب دست بکار شود.
  - ۳- شورا باید پیشرویهای سیاسی تاکتونی اش را تثبیت و برای جلو رفتن نقشه داشته باشد.
  - ۴- شورا باید نوع و تنوع فعالیتهايش را متناسب با این چهارچوب تنظیم کند و به مرکزی فعال و سیاسی در شهر استکھلم تبدیل شود. آکسیون و تظاهرات تنها یک شکل فعالیت شورا است.
  - ۵- شورا باید بطور طبیعی طرفی باشد که هر سوسیالیست و انقلابی و سکولار و سرنگونی طلب و آزادیخواهی آن را جایی برای فعالیت خود بداند. اگر هم اکنون چنین نیست، باید موانع را شناخت و برطرف کرد.
  - ۶- شورا به رسانه نیاز دارد. رسانه ای که بتواند تداوم حضور مستمر سیاستهای رادیکال شورا را در تقابل با رسانه های مختلف دست راستی تضمین کند.
  - ۷- شورا باید سبک کار و اشکال فعالیتش را مرتباً نو کند و بویژه با ابتکارات نسل جدید وفق دهد. بیشتر نسل جدید امروز بالقوه رادیکال اند و میتوانند در ظرفی مانند شورا به انفجار امکانات و خلاقیتها و جلب نیرو برای اردوی چپ و رادیکالیسم تبدیل شوند.
  - ۸- شورا ضروری است مرتباً در مورد مسائل سیاسی که به چهارچوب کار شورا مرتبط اند اظهار نظر کند و مرتباً به چهارچوبهای رادیکال در تقابل با چهارچوبهای راست و سازشکار شکل دهد.

### رفقای گرامی،

ما هر هدفی را در مقابل خود بگذاریم، بعنوان افراد و احزاب و سازمانها ناچاریم علیه تحرک مرتجعین تلاش کنیم. این تحرک اما بدون شورا هم ممکن است. شورا اگر هنری دارد و جای خالی ای را میخواهد پر کند، اینست که جای احزاب ننشیند بلکه به سازمانی توده ای و غیر حزبی برای دفاع از آزادیخواهی و مبارزه کارگری و گسترش مبارزه سرنگونه طلبانه تبدیل شود. این کاری ضروری و ممکن است. در فقدان چنین افقی میتوان فعالیت را ادامه داد و جایی را نیز پر کرد اما مردمی که اساساً و عمدتاً برای اعتراض به خیابان می آیند، نیروی راستهایی میشوند که امروز بر سر درشان تابلوی "حقوق بشر" زده اند و چپ کماکان در جلد اپوزیسیونی به معنی نیروی ضعیف آن میماند. تغییر این وضعیت ممکن است و شورا موقعیتی دارد که با اتکا به نیروی وسیع سوسیالیست و انقلابی و آزادیخواه میتواند صحنه را عوض کند.

پیروز و تندرست باشید.

۱۶ اوت ۲۰۱۰